
اینگلونه باشیم
جواد صدقی



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

اینگونه باشیم

مشخصات کتاب

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۱-
عنوان و نام پدیدآور : این‌گونه باشیم/ جواد محدثی.
مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۵۹ ص.؛ ۵/۹ × ۱۹ س‌م.
شابک : ۴۰۰۰ریال: 978-964-540-251-6
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه: ص. ۵۹.
موضوع : مسافرت-- آداب و رسوم -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع : مسافرت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام-- احادیث
موضوع : اخلاق اسلامی
رده بندی کنگره : BP۲۵۴/۶/م۳۳الف۹ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۲۰ ۸۰ ۵۰۱
ص: 1

اشاره

ای زائر عزیز! اکنون که توفیق زیارت، رفیق و دعوت حق، شاملت شد و قصد مسافرت به خانه خدا را داری، نیک اندیشه کن که چه راهی در پیش داری و به چه سرزمینی رهسپار می‌شوی. تو به خانه‌ای دل بسته‌ای که اولین بنای ساخته شده برای مردم است. (1) سرزمینی که از

1- إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ آل عمران: 96.

ص: 2
صبر هاجر در برابر سختی‌ها حکایت می‌کند؛ شاهد همکاری ابراهیم و اسماعیل در بنای مجدد کعبه و ایثار ابراهیم در قربانی کردن فرزند، برای اجابت فرمان خدا بوده است، گویای شکوه حلم محمد، فداکاری خدیجه و فاطمه (س) و جان‌نثاری علی در یاری‌کردن رسول خدا است.
و تو ای حاجی! باید ابراهیم را الگوی خود قرار دهی که قَدْ کانَتْ لَکُمْ أُسْوَة حَسَنَة فِی إِبْراهِیمَ (ممتحنه: 4) و از محمد، رفتار نیکو بیاموزی که لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب: 21) و در برخوردها، گفت‌وگوها و ارتباطها، احیاگر اخلاق اسلامی باشی.
اثر پیش رو، با عنوان «این‌گونه باشیم» تألیف استاد ارجمند حجت‌الاسلام و المسلمین «جواد محدثی»، یادآور نکاتی اخلاقی و اجتماعی است که رعایت آنها سفر را شیرین، لذت‌بخش و سازنده خواهد کرد؛ امیدواریم که زائران عزیز، از این اثر بهره وافی گیرند.
انه ولی التوفیق
گروه اخلاق و اسرار
مرکز تحقیقات حج

ص: 3

مقدمه

اخلاق و رفتار هر کس، آینه شخصیت اوست.
گاهی خصلت‌های درونی و صفات پنهانی اشخاص، در حالت‌های غیر طبیعی آشکار می‌شود. مسافرت، برای انسان وضع و شرایطی پیش می‌آورد که برخی صفات ناپسند، همچون بخل، خودخواهی، راحت‌طلبی، خشم و عصبانیّت، تکبرّ و غرور، ناسازگاری و کم‌طاقتی، بروز می‌کند و مایه رنجش خاطر همراهان و همسفران می‌گردد.
بعضی هم برعکس، شرایط سفر را زمینه‌ای برای همکاری، کمک، مردانگی، گذشت و مدارا، خوش اخلاقی و مهرورزی می‌بینند و با رفتار شایسته خود، خاطره‌ای زیبا در دل همسفران

باقی می‌گذارند.
سفر حج و حضور در کنار دیگر زائران و محدودیت‌های جا و وسیله و امکانات رفاهی و تنگناهای خود مسافرت و شرایط دوری از خانه و زندگی، ایجاب می‌کند که زائران خانه خدا و حرم نبوی، رفتاری شایسته‌تر، صبورانه‌تر و زیباتر داشته باشند، تا این سفر به کامشان شیرین‌آید و زمینه بهره‌های معنوی از حضور در اماکن مقدس و حرمین شریفین فراهم گردد.
آنچه می‌خوانید، نکاتی کاربردی و مورد ابتلا در این سفر است. چه خوب است با مراعات این نکات که فشرده و گذرا مطرح شده است. روزهای پربار و به یاد ماندنی در کنار همسفران خود داشته باشیم.
مهمانان خدای کریم و زائران پیامبر اعظم شایسته است که از آن رسول رحمت و مهربانی الگو بگیرند و با مهربانی و عاطفه و گذشت و ایثار، به خدای رحمان تقرّب جویند.
جواد محدثی

ص: 5

حُسن خُلق

«حسن خلق» یک گوهر است.
قیمت این گوهر، در سفر بیشتر آشکار می‌شود و در سفر زیارتی حج، باز هم بیشتر.
برخورد خوب، ادب در گفتار، متانت در حرکات، همکاری در امور، روحیه گذشت و ایثار، نداشتن حالت جدال و جرّ و بحث با همسفر، پرهیز از مشاجرات لفظی، تواضع و فروتنی، خدمت رسانی به دیگران و بسیاری از این گونه امور، نمونه‌هایی از حسن خلق است.
در حدیثی امام باقر می‌فرماید: کسی که به حج می‌رود و راهی این مسافرت می‌شود، اگر سه خصلت نداشته باشد، چندان مورد توجه خدا قرار نمی‌گیرد و از این سفر بهره معنوی لازم نمی‌برد:
1. ورع و پرهیزکاری، که او را از معصیت‌های

خدا باز دارد.
2. حلم و بردباری که هنگام غضب، بتواند خویشتن داری کند.
3. رفتار خوب و مناسب با مصاحبان و همراهان «... وَ حُسنُ الصُّحبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ». (1)
در این سفر، عواملی می‌تواند انسان‌های کم ظرفیّت و ضعیف را ناراحت و عصبانی کند و مشکلات مسافرت می‌تواند زائر را به ستوه آورد و در نتیجه، بداخلاق شود و رفتارش با همراهان از حدّ متعارف و مرز «اخلاق حسنه» فراتر رود و پرخاشگری‌ها سبب کاهش ثواب حجّ او گردد.
خوش اخلاقی در سفر، سبب می‌شود هم به خود انسان خوش بگذرد، هم دیگران از همراهی و همسفری با او، خاطره خوشی داشته باشند.
امام صادق فرمود: (در سفر حج) خودت را آماده ساز تا با هرکس همراه می‌شوی همنشین خوب و خوش‌اخلاقی برای او باشی. زبانت را نگاه‌دار، خشم خود را فرو بنشان، از کارهای

1- کافی، ج 4، ص 286.

بی‌فایده و لغو کم کن، عفو و بخشایش خود را برای دیگران بگستران و سخاوتمند و گشاده دست باش. (1)
کسی به حضور پیامبر خدا رسید و از آن حضرت نصیحت و توصیه‌ای خواست.
پیامبر خدا سفارش‌هایی به او کرد، از جمله این توصیه که:
«با برادر دینی‌ات با روی گشاده برخورد کن»
حسن خلق در سفر، کاری است بی‌خرج و زحمت، اما آثار و برکات فراوانی دارد. اخلاق خوب، سفر زیارتی را برای زائران شیرین و سرشار از خاطرات خوب می‌سازد.

1- کافی، ج 4، ص 286.

ص: 8

سازگاری اخلاقی

«جنبه داشتن» و تحمل، سختی‌ها را بر انسان هموار می‌سازد. همسفری را برای دیگران نیز، خوشایند می‌گرداند.
بعضی‌ها تندخود و کم ظرفیت‌اند، نه طاقت تحمل مشکلی را دارند، نه انتقادی را می‌پذیرند، نه تندی دیگری را برمی‌تابند، نه با تنگی جا و سرو صدای دیگران و دیرشدن غذا و ... می‌سازند، و نه با اخلاقشان، با هم‌کاروانی و هم‌اتاقی همگام می‌شوند.
سختی‌های سفر را با «سازگاری» می‌توان آسان ساخت.
بدخلقی و کج خلقی و عصبانیت، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، که بر مشکلات یک جمع، می‌افزاید.

خود افراد بداخلاق و ناسازگار هم گاهی به مرز انفجار نزدیک می‌شوند.
در سفر حج، که سفر زیارت و عبادت و بهره‌های معنوی و صفاست، به «سازگاری اخلاقی» نیازمندتریم.
پیامبر اکرم در یکی از سفرها که قصد حج داشت، فرمود: «هرکس بداخلاق است، و هر که بدرفتار با همراه و همسایه است، با ما همراه نشود!» (1)
سازگار بودن یعنی:
تندخویی دیگران را تحمل کردن، با حرف‌های نسنجیده دیگری از کوره در نرفتن، به خاطر غذا و میوه و چای و نوشابه، سر و صدا راه نینداختن، وقت خواب و بیداری خود را با جمع، هماهنگ کردن، به خاطر همراهان و به سبب کمبودها در سفر، کنار آمدن با همسفران و با خوش‌اخلاقی رفتار کردن.
اینگونه سازگاری، سفری خوش و پرخاطره برایمان به ارمغان می‌آورد.

1- «مَن کانَ سَیّئَ الخُلقِ وَ الجَوارِ فَلا یَصحَبنا» بحارالانوار، ج 73، ص 273.

ص: 10

همکاری

تقسیم کار در سفر، هم از مشکلات می‌کاهد، هم موجب پیشرفت کار می‌شود.
کسانی پیوسته از کار می‌گریزند، حتی کار خود را به دوش دیگران می‌اندازند.
گروهی نیز، با روحیه بالا، در کارها تعاون و مشارکت می‌کنند.
آنان کجا و اینان کجا؟!
رسول خدا در مسافرتی، درباره کسی که پیوسته در طول سفر، ذکر می‌گفت و حتی در علوفه دادن به شترش و تهیه غذای خودش هم همکاری نمی‌کرد، به همراهان او فرمود: همه شما از او بهترید! (1)
در یک کار جمعی یا مسافرت گروهی،

1- مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص 265.

کارهای مختلفی وجود دارد که بعضی‌آسان است و بعضی دشوار. کسانی در پی راحت‌ترین کار می‌روند، کسانی هم از سخت‌ترین کارها استقبال می‌کنند.
آنان کجا و اینان کجا؟!
باز هم از اخلاق وسیره حضرت رسول در سفر بگوییم:
در یکی از سفرها که آن حضرت با اصحاب خود بود، گوسفندی ذبح کردند تا غذای جمع را تهیه کنند. یکی ذبح گوسنفد را به عهده گرفت، دیگری پوست کندن گوسفند را عهده‌دار شد، کسی هم گفت: من هم گوشت‌ها را تکه‌تکه می‌کنم. چهارمی هم بنا شد آن را بپزد.
رسول خدا نیز فرمود: جمع کردن هیزم از صحرا هم (که سخت‌ترین کارها در این برنامه بود) با من.
یاران هرچه خواستند وی را از این کار بازدارند و خودشان به آن بپردازند، حضرت قبول نکرد و فرمود: خداوند دوست ندارد که وقتی کسی با جمعی سفر می‌کند، گوشه‌ای بنشیند و

کار نکند. آنگاه برخاست و به جمع آوری هیزم پرداخت. (1)
این خصلت، نشانه‌ای از اخلاق متواضعانه نیز به شمار می‌رود.
همکاری در کارها، از سنگینی آن می‌کاهد، مایه دلگرمی دیگران می‌شود و روح تکبر و خود برتربینی را هم از بین می‌برد.
در سفر زیارتی حج، «همکاری» و کمک کردن به دیگران، نزد خداوند اجر و پاداش دارد.
هر چند کسانی به عنوان خدمتگزار زائران در کاروان‌ها حضور دارند، اما نباید از ثواب «همکاری و تعاون» محروم ماند.

1- بحارالأنوار، ج 76، ص 273

ص: 13

گذشت و چشم‌پوشی

از چیزهایی که نباید فراموش کرد، «نیکی» دیگری به ماست و از چیزهایی که باید به فراموشی سپرد، «بدی» دیگری به ماست.
سفر، گاهی کسی را به پرخاش یا بدرفتاری یا تندخویی می‌کشاند.
نباید گذاشت بدی‌های دیگران، صفحه دل را تیره و غبارآلود سازد و ما را از نیکی و محبّت و مساعدت به آنان دور کند.
دل را باید صاف کرد، تا صفا و دوستی و احسان از آن بجوشد و به مردم برسد.
آنچه غبار از دل می‌زداید و تیرگی از خاطر می‌شوید، «گذشت» است، یعنی نادیده گرفتن بدی‌های دیگران، قبول عذرخواهی و پوزش از خطاکاران، کینه به دل نگرفتن از قصور و کوتاهی

و بی‌ادبی و گستاخی افراد، لغزش‌های دیگران را با بزرگواری عفو کردن، پرهیز از پرونده سازی برای خطاهای دیگران.
اگر کسی «سعه صدر» داشته باشد، می‌تواند با عفو و گذشت، حوزه‌ای از جاذبه پیرامون خود به وجود آورد و با این اخلاق و برخورد، خیلی‌ها را به راه خیر و صلاح بکشاند.
گشودن حساب ویژه برای شمارش لغزش‌های دیگران و پرونده‌سازی برای خطاهای مردم، با صفت والای «گذشت» منافات دارد و با روح ایمان هم ناسازگار است.
در حدیثی از حضرت صادق روایت شده است: «نزدیک‌ترین حالت و وضعیت یک فرد به کفر و بی‌ایمانی، آن است که با کسی دوستی و رفاقت کند، تا خطاهای او را به شمارد و روزی به خاطر آن عیوب و خطاها وی را ملامت و سرزنش کند.» (1)
این شیوه، دشمنی و تفرقه می‌آورد، دوستی‌ها

1- کافی، ج 2، ص 354.

را به هم می‌زند و گاهی آبروی مؤمنان را می‌ریزد.
در سخن دیگری از پیامبر اسلام نقل شده است که فرمود: «ای کسانی که به زبان اسلام آورده‌اید، ولی ایمان در دل‌های شما نفوذ نکرده است! مسلمانان را نکوهش نکنید و به دنبال عیوب آنان نباشید، که هرکس چنین کند، خداوند عیب‌های او را پیگیری می‌کند و هرکس که خداوند در پی‌عیوب او باشد، رسوایش می‌کند، هر چند درون خانه‌اش باشد». (1)
خصلت گذشت، خصلت جوانمردان بزرگوار است.
به خصوص در سفر، جوّ آرام و با صفایی را میان همراهان پدید می‌آورد.

1- کافی، ج 2، ص 354.

ص: 16

تواضع و فروتنی

به همان اندازه که تکبر و خود بزرگ‌بینی، انسان را از چشم‌ها می‌اندازد و منفور و مطرود می‌سازد، فروتنی و خاکساری محبوبیّت می‌آورد.
تواضع، نعمتی است که هیچ‌کس بر آن حسد نمی‌ورزد!
این سخن، مضمون یک حدیث ناب است که از امامان نقل شده است.
بنای سفر، برهمکاری و مساعدت و تلاش جمعی است. برای آنکه کسی همسفر خوب باشد، باید هر چه بیشتر خود را ندیده بگیرد و خود را در جمع، ذوب کند، تا روحیه تعاون و یاری در او زنده‌تر شود. این خصلت در سایه فروتنی پدید می‌آید.
تواضع نشانه‌های مختلفی دارد:

یکی، سلام کردن به هر کس که بر می‌خوریم، دیگری، نشستن در جایی پایین‌تر از موقعیت و شأن خود، سوم، هم‌صحبتی و همنشینی با تهیدستان و محرومان، چهارم، قبول نصیحت و تذکّر از دیگران، انتقادپذیری، پنجم، مشورت با دیگران در کارها و پرهیز از استبداد به رأی، ششم، احترام به بزرگان و تکریم سالخوردگان و پدر و مادر و ... نمونه‌هایی از این دست، که در روایات ما آمده است.

امام صادق فرمود: «احترام به مرد سالخورده، احترام به خداست». (1)

در سفر و در کاروان و در رفت و آمدها، هوای بزرگ‌ترها را داشتن، به آنان کمک کردن، حمل وسایل آنان هنگام سوار شدن و پیاده شدن، راهنمایی در کارهایی که نیازمند به راهنمایی صبورانه است، از جمله نشانه‌های چنین احترام و تواضع است.

حتی سلام کردن به دوستان کاروان و

1- کافی، ج 2، ص 658.

همسفران، نشانه فروتنی است. به فرموده پیامبر، بخیل‌ترین مردم کسی است که از سلام دادن بخل ورزد. (1)
سیره آن پیامبر بزرگ این بود که به هرکس می‌رسید سلام می‌داد، حتی به کودکان سلام می‌کرد و می‌فرمود: می‌خواهم پس از من به عنوان یک سیره و روش باقی بماند. (2)
کمک در جمع کردن ظروف و سفره، مشارکت در تمیز کردن اتاق، خدمت رسانی به زائران خانه خدا، ارشاد و امداد گمشدگان، پذیرایی از تازه واردین، برخورد محبت‌آمیز با مردم، نوعی «تواضع در رفتار» به شمار می‌رود.
هر چه ثروت و مقام و موقعیّت انسان بیشتر و بالاتر باشد، تواضع و فروتنی از او، زیباتر و ارزشمندتر و خداپسندتر است.
نظرکردن به درویشان، بزرگی کم نگرداند سلیمان با همه حشمت، نظرها داشت با موران

مثبت نگری

سفر گروهی، هم خوشی‌هایی دارد، هم ناراحتی‌هایی.
گاهی صفات شایسته و خوبی‌ها و فضیلت‌های اخلاقی همراهان برای انسان در طول مسافرت آشکار می‌شود.
گاهی هم نقاط ضعف، عیب‌های اخلاقی و جنبه‌های منفی افراد، روشن می‌شود و بروز می‌کند.
توصیه اولیای دین آن است که هم سختی‌ها و مشقت‌ها و رنج‌های سفر را برای این و آن نقل نکنیم، هم اگر بدی‌ها و عیوبی از همسفران در طول سفر برای ما معلوم شد، آن را برای دیگران بازگو نکنیم.
هم برخورد بزرگوارانه نسبت به سختی‌های

1- میزان الحکمه، ج 1، ص 234.
2- بحارالانوار، ج 76، ص 10.

سفر، هم روش رازداری و حفظ آبروی دیگران.
بعضی‌ها وقتی از مسافرت بر می‌گردند، آنچه به عنوان خاطره یا حوادث سفر برای دیگران نقل می‌کنند، مشکلات و اختلافات و درگیری‌ها و کاستی‌هاست و نگاه بدبینانه و انتقادگرانه به همه چیز و همه کس. و اگر مطالبی هم از افراد بازگو می‌کنند، نقل اشتباهات و خلاف‌ها و عیب‌های آنان است.
این شیوه، نه جوانمردانه است، نه منطبق با دستورهای دینی.
در حدیثی از حضرت صادق آمده است که: جوانمردی نیست که انسان پیشامدهای ناگوار سفر را برای دیگران بازگو کند. (1)
در حدیث دیگری می‌فرماید:
از نشانه‌های فتوت و جوانمردی در سفر، آن است که اسرار را کتمان کنی و راز همسفران را پس از جداشدن از ایشان، برای دیگران برملا نسازی. (2)

1- مکارم الاخلاق، ج 1، ص 541.
2- آثار الصادقین، ج 8، ص 492.

درست است که ما در سفر، خلق و خوی و روحیات و ویژگی‌های رفتاری و خصلت‌های مثبت و منفی افراد را بهتر می‌شناسیم و برای شناخت یک فرد، یک راه مطمئن و مفید، همسفر شدن با اوست، اما حفظ اسرار و آبروداری و مثبت نگری، یکی از فضایل اخلاقی است.
اگر هم می‌خواهیم نسبت به برادران و همسفران «آینه» باشیم، این آینه تنها در برابر خود او باید قرار گیرد، تا اشتباهاتش را ببیند و بشناسد و برطرف سازد، نه آینه بودن پشت‌سر و از بین بردن آبروی او.

نیکو سخن گفتن، مؤدبانه حرف زدن، پرهیز از حرف‌های رکیک و ناهنجار، در همه‌جا خوب است و در سفر، خوب‌تر.
گاهی مردم از کسی می‌ترسند، نه به خاطر مقام و موقعیتش، یا قدرت و زورگویی‌اش، بلکه به خاطر بددهانی و تندگویی و هتّاکی و فحّاشی او. این‌گونه افراد، به تعبیر حضرت رسول از بدترین خلایق‌اند، چون مردم برای مصون ماندن از شرارت و بدزبانی آنان، در ظاهر تحویلشان می‌گیرند و احترامشان می‌کنند، نه به خاطر فضیلت و ارزش وجودی ایشان.
کسی که ناگهان صدایش را پرخاشگرانه بلند می‌کند و به زمین و زمان ناسزا می‌گوید و مراعات ادب و حیا را نمی‌کند، همسفران و

همراهان را در فشار روحی و اخلاقی قرار می‌دهد. حتّی گاهی بلند حرف زدن و داد کشیدن هم نوعی بی‌عفّتی در گفتار است و از دیگران سلب آرامش و آسایش می‌کند.
حضرت لقمان به پسرش توصیه می‌کند: فرزندم! صدای خودت را پایین بیاور (و فریاد نزن)، چرا که زشت‌ترین و ناخوشایندترین صداها صدای الاغ‌هاست. (1)
رعایت ادب و عفاف در گفتار، نشانه خردمندی است.
داد کشیدن بر سردیگری، به خصوص اگر دوست و همکار و همراه و همسفر باشد، رشته‌های پیوند را می‌گسلد و کینه و کدورت پدید می‌آورد.
امام سجاد در یکی از دعاهای صحیفه از خداوند درخواست می‌کند که: «خدایا صدایم را برای پدر و مادرم ملایم و سخنم را برای آنان خوشایند گردان». (2)

1- لقمان: 19.
2- دعای 24.

نزاکت و ادب، نشانه خردمندی و کمال عقل است. گفتار مؤدبّانه و محترمانه، گوینده را محبوب و مورد احترام قرار می‌دهد.
صاحبان زبان‌های تند و تیز و عادت کردگان به بدزبانی و ناسزاگویی که نسبت به «ادب گفتار» بی‌مبالاتند و از لغویّات و سخنان رکیک پروایی ندارند، شخصیت خود را پیش دیگران پایین می‌آورند.
خردمندان، به خاطر داشتن شرم و حیا (این گوهر گرانبها) از بعضی حرف‌ها پرهیز می‌کنند و آن را در شأن یک فرزانه فهیم نمی‌دانند.
زیر پا گذاشتن حیا، نه تنها به «بی‌عفّتی در گفتار» می‌انجامد، بلکه زمینه ساز بسیاری از گناهان نیز خواهد شد.

ص: 24

مناعت طبع

بلندی همت و روحیه بزرگوارانه و اخلاق کریمانه، از نشانه‌های کمال در انسان است. همسفری با دیگران، خصلت‌های درونی را بروز می‌دهد و نیک و بدافراد و حقارت نفس و مناعت طبع اشخاص را نشان می‌دهد.
«عزت نفس»، سبب می‌شود که مسافر، در میان همراهانش محبوب گردد.
برعکس، طمع‌ورزی و بخل و حرص، مایه رنجش دیگران می‌شود.
برخی در سفر، نه تنها ره توشه مورد نیاز خود را با خود بر می‌دارند تا کم و کسری نداشته باشند، بلکه بیش از نیاز شخصی هم وسایل و امکانات و توشه و غذا و پول بر می‌دارند، تا به دیگران نیز کمک کنند. توکلشان هم برخداست و

از او چشمداشت پاداش اخروی دارند.
بعضی هم سعی می‌کنند خود را کَلّ بر دیگران کنند و سر سفره این و آن بنشینند و چیزی خرج نکنند و خیری به دیگران نرسانند. نام آن را هم به غلط، «توکّل» می‌گذارند.
در کتب تفسیر نقل شده است: گروهی از بادیه‌نشینان عرب، در سفر حج بدون همراه داشتن غذا و خوراکی به راه افتاده بودند و سخنشان این بود که: ما اهل توکل بر خداوندیم. بعضی‌شان می‌گفتند: ما حج خانه خدا را انجام می‌دهیم، چطور ممکن است خدا به ما طعام نرساند؟
با این تفکر و روش، بار خود را بر دوش دیگران می‌گذاشتند، بی‌آنکه باری از دوش دیگران بردارند.
اخلاق کریمانه اقتضا می‌کند که حاجی (و هر مسافر دیگر) در سفر خویش دست و دل باز باشد و از سخاوت و بذل و بخشش خویش، همراهان را برخوردار سازد. خسّت نفس و روحیه حقیر و کوچک داشتن، زیبنده یک مسلمان نیست،

ص: 26
به‌خصوص در سفر حج، که سفر متمکنان و اهل استطاعت است و خداوند از کسانی که توانگر مالی باشند. دعوت کرده و بر آنان واجب ساخته که به فریضه حج بپردازند.
او کریم و بزرگوار است. دوست دارد مهمانش هم خلق و خوی بزرگوارانه و مناعت طبع داشته باشد.

ص: 27

جوانمردی

فتوّت و جوانمردی، آمیخته به نوعی ایثار، گذشت، بزرگواری و کرامت نفس است. زمینه بروز خصلت جوانمردی در مسافرت بیشتر پدیدار می‌شود.
در اینکه مروّت و جوانمردی چیست و چه نشانه‌هایی دارد، در روایات ما نکات سودمندی مطرح شده است. در حدیثی از رسول خدا روایت است که فرمود: تلاوت قرآن، ساختن مسجد، دوستی با مؤمنان به خاطر خدا، بخشیدن غذای خود به دیگران، خوش خلقی و شوخ‌طبعی و مزاح بدون ارتکاب معصیت، از نشانه‌های «جوانمردی در سفر» است. (1)

1- بحارالانوار، ج 73، ص 266.

موارد یاد شده، برخی زمینه‌ساز ارتباط با خداوند است، برخی در قلمرو مودت و دوستی شایسته با بندگان خدا.
در سفر، برخی تنها به راحتی و رفاه خود می‌اندیشند و اینکه دیگران در چه شرایطی به سر می‌برند اصلًا برایشان مطرح نیست.
بعضی هم حاضرند برای آسایش دیگران، خودشان در زحمت باشند، برای راحت خوابیدن دیگران، خودشان بی‌خوابی بکشند، برای سیر شدن و سیراب شدن دیگران خود گرسنه و تشنه بمانند.
در اتاق و اتوبوس و محل استراحت، جاهای بهتر و راحت را در اختیار دیگران می‌گذارند، در استفاده از آسانسور، تخت، وسیله نقلیه، دیگران را بر خودشان مقدّم می‌دارند.
اینها نشانه‌هایی از «اخلاق جوانمردی» است.
طبق آنچه در احادیث آمده، اگر کسی از همفسران در سفر حج، عهده‌دار حفاظت از اموال و اثاثیه دیگران شود، تا آنان با خاطرجمعی به حرم و زیارت مشرّف شوند، آن کس که نگهبانی و

حفاظت می‌کند، پاداش او کمتر از دیگران نیست.
گرچه همه دوست دارند به حرم مشرّف شوند و فیض ببرند، اما آنکه پیشگام می‌شود و در نگهداری وسایل دیگران، نوعی گذشت و جوانمردی از خودش نشان می‌دهد، پاداش او نزد خداوند محفوظ است.
پیامبر اکرم فرمود: «سیّدُ القوم خادِمُهم فی السّفر». (1)
سرور و سالار یک گروه، کسی است که در مسافرت به آنان خدمت کند.
روزهای سخت‌تری در پیش داریم. وقوف در عرفات، شب مشعر، ایام تشریق در منا، قربانی و رمی جمرات و اعمال بعدی حج تمتّع، نیاز به «اخلاق کریمانه» و «رفتار جوانمردانه» دارد.
هر که خدمت و ایثارش بیشتر باشد، نزد خداوند عزیزتر و مقرّب‌تر است.
خدمت به زائران خدا را «عبادت» بدانیم و با قصد قربت کار کنیم.

1- محجه البیضاء، ج 5، ص 61.

ص: 30

خیررسانی به مردم

بهره رساندن به دیگران، عامل جذب دل‌هاست.
در مسافرت، اگر کسی از خود سخاوت و مردانگی و ایثار نشان دهد و داشته‌های خود را در اختیار دیگران نیز قرار دهد و با آنان «مواسات» داشته باشد، در دل‌ها جا باز می‌کند. دیگران نیز دعاگو و خیرخواه او خواهند بود.
زاد و توشه را برخی به تنهایی مصرف می‌کنند، بعضی هم دیگران را سر سفره احسان خود می‌نشانند.
خداوند، چنین سنت نهاده که دل‌ها را به سمت و سوی خیررسانان و خادمان و نیکوکاران بکشاند و محبوبیت را در گرو خدمت و نیکی قرار دهد.
مُعلّی بن خُنیس، یکی از اصحاب امام صادق (ع)، هنگام سفر برای خداحافظی خدمت آن حضرت رسید.
حضرت فرمود: ای معلّی! به وسیله خدا عزت بطلب، تا خداوند عزیزت سازد.

پرسید: چگونه، یابن رسول الله؟
امام صادق (ع) فرمود: ای معلّی، از خداوند متعال بترس تا همه از تو بترسند.
ای معلّی، با بخشش به برادرانت، به آنان اظهار دوستی کن، زیرا خداوند، بخشش را وسیله دوستی قرار داده و عطا نکردن و بخل را وسیله دشمنی قرار داده است.
به خدا قسم، اگر شما از من چیزی بخواهید و آن را به شما ببخشم، برای من بهتر از آن است که از من چیزی درخواست نکنید و من نیز آن را به شما ندهم و در نتیجه، مرا دشمن بدارید.
هرگاه خدای عزّوجلّ، به دست من خیری جاری کند و به دست شما برسد، همان مورد پسند و ستایش خداوند است. (1)
پیشگام شدن در نیکی به دیگری، یک «امتیاز اخلاقی» است و عطا و بخشش قبل از سؤال، امتیازی دیگر. دست و دل‌بازی و اخلاق کریمانه در سفر، محبوبیت می‌آورد، هم نزد خدا و هم پیش بندگان خدا.

1- امالی طوسی، ص 304.

ص: 32

مراعات حقوق مسلمانی

مسلمان، بر برادر دینی حقوقی دارد که مراعات و ادای آنها، بسیاری از اختلاف‌ها را می‌کاهد و روابط اجتماعی را در جامعه اسلامی تقویت می‌کند.
شناخت این حقوق و وظایف، گام اول است، مراعات و ادای آنها، گام دوم و مراعات متقابل و دو جانبه آنها گام سوم.
در هر یک از این سه مرحله خلل پیش آید، آن هدف یاد شده تأمین نمی‌شود.
حدیثی که نقل می‌شود، گوشه‌ای از این حقوق را بیان می‌کند:
ابان بن تغلب، به امام صادق (ع) عرض کرد: مرا از حقّی که مؤمن به گردن دیگری دارد آگاه نمایید.

حضرت ابتدا طفره رفت و جواب نداد و فرمود: آنها را واگذار و پاسخش را نخواه.
اما ابان با اصرار زیاد، از امام خواست که آن حقوق را بیان نماید.
حضرت فرمود: ای ابان، تا آنجا حق دارد که نیمی از مالت را به او بدهی.
سپس فرمود: اگر تو مالت را با او قسمت کنی، او را بر خود مقدّم نداشته‌ای بلکه او را برابر با خود داشتی. وقتی او را مقدّم می‌داری که آن نیمه دیگر را که برای خویش نگه داشته‌ای نیز به او بدهی. (1)
این جلوه‌ای از حقّ مسلمان بر گردن ماست، یعنی «ایثار»، که فراتر از «مواسات» است.
در حدیث دیگری، نقل شده که کسی به امام باقر (ع) گفت: شیعیان شما نزد ما فراوانند.
حضرت فرمود: آیا ثروتمندان به مستمندان کمک می‌کنند؟
آیا نیکوکاران، از بدرفتاران می‌گذرند و

1- کافی، ج 2، ص 171.

گذشت می‌کنند؟
آیا با هم برابری و مساوات دارند؟
پاسخ داد: نه.
امام فرمود: پس اینان که گفتی «شیعه» نیستند. شیعه کسی است که چنین باشد. (1)
اگر وظایف خود را نسبت به برادران دینی خود ندانیم، ممکن است قصور و کوتاهی از ما صورت بگیرد و به خاطر آن مورد مؤاخذه قرار گیریم.
اهمیت مسأله تا بدان حدّ است که امام سجاد (ع) در حدیث مفصّل و بلندی که به «رسالةالحقوق» معروف است، این وظایف و تکالیفی را که نسبت به دیگران داریم برشمرده است. (2)
شناخت و مراعات این حقوق نیز از «اخلاق سفر» به شمار می‌آید.

1- کافی، ج 2، ص 173.
2- مکارم الاخلاق، باب دوازدهم.

ص: 35

گاهی مشکلات پیش‌بینی نشده، سفر را به کام انسان تلخ می‌سازد.
مثلًا کسی بیمار می‌شود، ره‌توشه‌اش تمام می‌گردد، پول خود را گم می‌کند، بی‌خانه و مسکن می‌ماند، گرفتار رهزنان و شیّادان می‌شود و ... این‌گونه حوادث.
حق برادری ایجاب می‌کند که همراهان، باری از دوش او بردارند و غبار غم و اندوه از چهره‌اش بزدایند و با یاری خویش، خاطر او را شاد سازند.
پیشقدمان در این مسأله، به خلق و خوی اسلامی و آیین مسلمانی نزدیک‌ترند.
ابان بن تغلب گوید: با امام صادق (ع) مشغول طواف بودم.

مردی از یاران ما پیش آمد و با اشاره خواست تا برای انجام کاری همراه او بروم.
من به خاطر همراهی با امام صادق (ع)، دوست نداشتم حضرتش را رها کنم و دنبال او بروم. بار دوم آمد و اشاره کرد. حضرت که او را دید، به من فرمود: آیا این مرد با تو کار دارد؟ گفتم: آری.
پرسید: آیا با تو هم‌مذهب و هم‌مرام است؟
گفتم: آری. فرمود: پیش او برو.
گفتم: طواف را قطع کنم؟
فرمود: آری. پرسیدم: اگرچه طواف واجب باشد؟
فرمود: آری. (1)
وی برای انجام کار برادر دینی‌اش رفت، و پاداشی بیشتر از طواف، نصیب او شد.
در میان تربیت‌شدگان پیامبر اکرم و اصحاب ائمه، چنین کسانی بسیار یافت می‌شدند که همت خود را صرف رفع نیاز از نیازمندان و کمک به مددجویان می‌کردند.

1- اصول کافی، ج 2، ص 171.

آن‌قدر در روایات اسلامی بر فضیلت «قضای حاجت» و رفع نیاز برادر مؤمن تأکید شده است که بُهت‌آور است.
مسافرت، صحنه بروز این‌گونه نیازهاست.
اگر کسی توفیق داشته باشد که گرهی از مشکلات دیگران بگشاید، یا برادران دینی‌اش برای رفع نیازهایشان به او روی آورند، این موهبت الهی و نعمت بزرگی است که خداوند برای او فراهم ساخته است.
باید قدرش را بداند و از خدمت‌رسانی کوتاهی نکند.

ص: 38

تداوم آشنایی

بسیاری از دوستی‌های ریشه‌دار و درازمدت، نتیجه یک برخورد و آشنایی در سفرهاست.
سفر، اگر طولانی باشد، زمینه کسب دوستی و آشنایی هم بیشتر خواهد بود.
سفر حج نیز یکی از این‌گونه سفرهاست.
مجموعه‌ای که در قالب یک کاروان به سفر زیارتی می‌روند، اغلب، آشنایی‌های عمیق و روابط قبلی میان افراد نیست و در طول همراهی و همسفری، کسانی با هم آشنا و دوست و همدم و هم‌اتاق می‌شوند، با روحیات هم‌آشنا می‌گردند، از سوابق یکدیگر کسب اطلاع می‌کنند و از همین رهگذر «رفاقت» تداوم می‌یابد.
دوام یافتن و استمرار دوستی، همسفران را از برکات این‌گونه آشنایی‌ها در طول عمر

برخوردار می‌سازد.
اگر در روایات، تأکید شده که با هم خوشرو و خوشخو باشید، تا دوستی‌هایتان پا برجا شود. یا آنان که حسن خلق و خوش‌رفتاری داشته باشند، دوستانشان فراوان می‌شوند، یا به تعبیر حضرت امیر (ع): «خوش‌رویی و گشاده‌رویی، رشته پیدایش دوستی است» (1)، اینها همه، علاوه بر تأکید بر اخلاق والا و شایسته به عنوان زیربنای روابط اجتماعی خوب، بر ارزشمند بودن تداوم دوستی‌ها دلالت می‌کند.
با این حساب، نباید آشنایی‌های به دست آمده در طول سفر را به فراموشی سپرد و از تداوم آن غفلت کرد.
«مکاتبه و نامه‌نگاری»، یکی از راه‌های استمرار رفاقت‌هاست، آنجا که دو همسفر، از دو شهر باشند.
«دیدار و رفت و آمد»، راه دیگری برای تداوم دوستی است، وقتی همسفران، همشهری یا

1- نهج البلاغه، حکمت 6.

هم‌روستایی باشند.
«تماس تلفنی» و احوال‌پرسی های دورادور نیز می‌تواند مانع گسسته شدن رشته رفاقت گردد.
امام صادق (ع) می‌فرماید:
التَّواصُلُ بَینَ الإخوانِ فِی الحَضَرِ التَّزاوُرُ وَ فِی السَّفَرِ التَّکاتُب. (1)
عامل پیوند بین برادران دینی در حَضر و شهر و وطَن، «دیدار» است و در مسافرت، «نامه‌نگاری».
امروز که افراد با دوربین از یکدیگر عکس یادگاری می‌گیرند یا فیلم تهیه می‌کنند، ارسال نمونه‌ای از عکس یا فیلم یادگاری از سفر، می‌تواند عامل تحکیم پیوندهای دوستی باشد.
آشنایی و دوستی، ارمغانِ سفر است.
آن را حفظ کنیم و از تباه شدن یا گسسته شدنش جلوگیری کنیم.

1- آثار الصادقین، ج 8، ص 493.

ص: 41

منابع

1. آثار الصادقین، صادق احسان‌بخش، رشت، ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، 1374 ه. ش.
2. الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم، انتشارات دار الثقافه، 1414 ه. ق.
3. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1404 ه. ق.
4. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365 ه. ش.
5. محجة البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1417 ه. ق.
6. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، انتشارات شریف رضی، 1412 ه. ق.
7. میزان الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری، چاپ اول، دارالحدیث، 1416 ه. ق.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹